

نقشه جدید اروپا در تهران تهیه شد

به مروری که ارتش شوروی بسوی غرب پیشروی می کرد، مسئله سرنوشت لهستان بعد از جنگ بیشتر خودنمایی می کرد. این مسئله در کنفرانس تهران نیز بررسی شده بود. روزولت قبل از هر کس این موضوع را مطرح کرد. وی اظهار امیدواری کرده بود که دولت شوروی بتواند با دولت فراری لهستان در لندن مذاکرات و مناسبات را آغاز کند، اما دولت شوروی دلایل معتبری در اختیار داشت که بموجب آنها عمال این دولت در داخل لهستان با آلمانی ها رابطه داشته اند. استالین در پاسخ به روزولت مستقیماً همین مسئله را یاد آور شده و گفت: "رابطین این دولت که در لهستان هستند، با آلمان هیتلری در ارتباط اند". استالین گفت:

- آنها پارتیزان ها را می کشند. شما اطلاع ندارید که آنها در آنجا چه می کنند. چرچیل میان حرف او پریده و گفت:

این مسئله از نقطه نظر ما بسیار مهم است. ما بدلیل حمله به لهستان به آلمان اعلام جنگ کردیم. در آن زمان من متعجب بودم که چرا چمبرلین در ماه آوریل سال 1939 به لهستان ضمانت داده بود. در عین حال از این موضوع خوشحال شدم. بخاطر لهستان و اجرای تعهد خود بود که ما با وجودیکه جواز نظر نیروی دریائی خود آمادگی نداشتیم به آلمان اعلام جنگ دادیم و نقش عمده ای بازی کردیم تا فرانسه را برای ورود به جنگ تشویق نمائیم. اگر از ما سؤال کنند چرا وارد جنگ شدید ما جواب خواهیم داد اینکار را به خاطر ضمانتی که به لهستان داده بودیم، آغاز کردیم. سپس چرچیل موضوع مرزهای آینده لهستان را مطرح کرد. وی گفت:

- می خواهم از مثال سه چوب کبریت استفاده کنم که یکی آلمان، دیگری لهستان و سومی اتحاد شوروی باشد. هر سه این چوب های کبریت باید بسوی غرب جابجا شود تا یکی از وظایف عمده ای را که در برابر متحدین قرار دارد حل کنیم و آن تامین امنیت مرزهای غربی اتحاد شوروی است. استالین پاسخ داد:

- من باید بگویم که روسیه نه کمتر، بلکه بیشتر از قدرت های دیگر در مناسبات حسنه با لهستان ذینفع است، زیرا لهستان همسایه روسیه است. ما از احیاء و تقویت لهستان جانبداری می نمائیم. لیکن ما لهستان را از دولت فراری آن در لندن جدا می دانیم. ما مناسبات خود را با این دولت به آن دلیل که دولت لهستان علیه اتحاد شوروی به هیتلر پیوست برقرار نمی کنیم. همه این مسائل بموقع خود در مطبوعات منعکس شده است.

در حالیکه آخرین کلمات این سخنان ترجمه می شد، استالین پوشه چرمی قرمز تیره رنگی را که جلو او قرار داشت باز کرد و یک ورق اعلامیه از آن بیرون آورد. در آن سرآمدی با دو صورت شبیه یانوس خدای رم قدیم تصویر شده بود و در طرف دیگر نیمرخ هیتلر، و از طرف دیگر نیمرخ استالین رسم شده بود. استالین در حالیکه اعلامیه را بالای میز بلند نگه داشته بود تا همه بتوانند بخوبی آنرا ببینند، گفت:

- این را عمال دولت فراری در لهستان پخش می کنند. می خواهید از نزدیک تر ببینید؟

با این حرف، استالین اعلامیه را به چرچیل داد. چرچیل آنرا با بی میلی برداشت، اخم کرد و ساکت به روزولت داد و او نیز شانه هایش را حرکت داده، سرش را تکان داد و اعلامیه را به استالین پس داد. پس از کمی سکوت استالین حرفش را ادامه داد:

- کجاست آن ضمانتی که دولت فراری لهستان در آینده دست از این کارکنیف بردارد؟ ما می خواستیم ضمانت آنرا داشته باشیم که عمال آن دولت پارتیزان ها را نکشند و دولت فراری لهستان مردم را به مبارزه علیه آلمانی ها دعوت کند و دست به چنین دسایسی نزند. ما روابط حسنه با دولتی خواهیم داشت که فعالانه علیه آلمانی ها مبارزه کند و مطمئن نیستیم که دولت کنونی فراری لهستان که در لندن مقیم است چنین کند. اگر آنها با پارتیزان ها اعلام همبستگی کنند و اگرما ضمانت داشته باشیم که عمال آن با آلمانی ها در لهستان رابطه نداشتند آن وقت حاضر خواهیم بود مذاکرات را با این دولت شروع کنیم. و اما در مورد مثال سه چوب کبریت می خواستیم از مفهوم آن اطلاع بیشتر حاصل کنم.

چرچیل توضیح داد که منظورش مسئله مرزها بود و اینکه خوب بود همان جا در پشت میزگرد از نظریات روس ها در مورد مرزهای آینده لهستان آگاهی پیدا کند تا پس از آن او و یا ایند بتوانند این ملاحظات را به اطلاع لهستان ها برسانند. چرچیل حرفش را ادامه داد:

- ما حاضریم به لهستانی ها بگوئیم که این پیشنهاد و نقشه خوبی است و آنها نمی توانند انتظار بهتری داشته باشند. من می خواهم تاکید کنم که پس از جنگ ما می خواهیم یک لهستان قوی، مستقل و دوست روسیه در این کشور وجود داشته باشد. استالین بنوبه خود موضع دولت شوروی را نسبت به این مسئله بیان کرد و گفت:

- مطلب برسر این است که اراضی اوکراین باید به اوکراین و اراضی بلاروس به بلاروس برگردانده شود. یعنی، میان ما و لهستان باید مرز سال 1939 وجود داشته باشد. مولوتف توضیح داد که معمولا این مرز را بنام وزیر امور خارجه انگلستان سالهای 20 خط "کرزون" می گویند.

آنگاه چرچیل نقشه ای را درآورد که به گفته او روی آن خط کرزون و خط سال 1939 کشیده شده بود. آیدن انگشتش را روی نقشه کشیده و توضیح داد که در قطعه جنوبی، خط کرزون بدقت تعیین نشده و افزود که طبق پیش بینی، خط کرزون قرار بود از شرق لووف بگذرد.

استالین مخالفت کرد و گفت که خطی که روی نقشه چرچیل کشیده شده دقیق نیست. لووف باید در حدود اتحاد شوروی باشد و خط مرزی از غرب بگذرد. استالین افزود که مولوتف نقشه دقیقی با خط کرزون و شرح مفصل آنرا در اختیار دارد. ما از یک لهستان بزرگ، پیشرفته صنعتی و دوست اتحاد شوروی حمایت می کنیم.

در همان حال به مولوتف دستور داد نقشه مورد بحث را نشان دهد. چند دقیقه بعد یک پوشه بزرگ سیاه را آوردند. مولوتف نقشه را روی میز پهن کرد و خط کرزون را که در آنجا مشخص شده بود، نشان داد. هم چنین مولوتف متن رادیوگرام امضای کرزون را قرائت کرد که در آن بدقت نقاط آن خط مشخص می شد. پس از توضیح به کمک نقشه، مسئله کاملا آشکار گردید. موضع طرف شوروی دیگر قابل بحث نبود. چرچیل گفت:

- بدیهی است که شرکت کننده گان کنفرانس اختلاف نظر مهمی در مورد مرزهای غربی اتحاد شوروی، از جمله "لووف" ندارند...

روزولت پرسید که آیا امکان دارد لهستانی ها بنا به میل خود به لهستان باز گردند؟ استالین جواب مثبت داد. پس از آن چرچیل گفت که به لهستانی ها (یعنی به دولت فراری) توصیه خواهد کرد پیشنهادات کنفرانس را قبول کنند. او افزود که یک طرح از سند مربوط به مسئله لهستان را تهیه کرده و می خواهد آنرا قرائت کند. چرچیل بلافاصله متن زیر را قرائت کرد:

"در اصل قبول شده است که قانون دولت و خلق لهستان باید میان خط باصطلاح کرزون و خط رودخانه "اودر" قرار گیرد و پروس شرقی و استان اوپلن را در بر گیرد. لیکن مرزبندی نهائی مستلزم مطالعه دقیق و احتمالا، اسکان اهالی در بعضی نقاط می باشد". استالین از نظر اصولی با فرمول پیشنهادی چرچیل موافقت کرد.

رئیس هیئت نمایندگی شوروی تایید کرد که اتحاد شوروی طرفدار «احیاء و تقویت لهستان» می باشد. وی گفت که مسایل امنیت اتحاد شوروی و لهستان تفکیک ناپذیر است. لهستان ضد شوروی راه را برای عملیات تجاوزکارانه علیه اتحاد شوروی هموار ساخت. هیتلری ها از خاک لهستان به اتحاد شوروی حمله کردند. بنا بر این دولت شوروی نمی گذارد که لهستان پس از جنگ هم حربه دست محافل امپریالیستی غرب و تکیه گاه مناسبی برای ماجراجوئی های ضد شوروی بماند.

رئیس جمهور امریکا "روزولت"، در واقع، در بحث پیرامون مرزهای لهستان در تهران شرکت نکرد. لیکن در گفتگوی خصوصی با استالین وی نظر امریکا را در مورد این مسئله اظهار داشت و علل خودداری اش از اظهار نظر رسمی را توضیح داد. روزولت گفت که با نظریات هیئت نمایندگی شوروی در مورد لزوم احیای دولت لهستان موافقت دارد و شخصا مخالفتی ندارد که مرزهای لهستان از شرق به طرف غرب، تا رودخانه "اودر" جابجا شود، لیکن بنا به ملاحظات مربوط به سیاست داخلی و دقیقتر، نظریه انتخابات آینده ریاست جمهوری در سال 1944، او برای اینکه رای 6-7 میلیون امریکائی های لهستانی الاصل را از دست ندهد نمی تواند بصورت علنی در حل و فصل مسئله لهستان، چه در تهران و چه در بهار سال آینده، شرکت کند.

هنگام بحث پیرامون مرز غربی لهستان استالین اشاره کرد که اتحاد شوروی بنادری که یخ نبندد در دریای بالتیک ندارد و بنا بر این احتیاج به بنادر کونیگسبرگ و ممل و اراضی مربوطه پروس شرقی دارد.

گذشته از این، واگذاری بخشی از پروس شرقی به اتحاد شوروی جوابگوی منافع نابودی خطرناک ترین قانون نظامی گری آلمانی است که هم روزولت و هم چرچیل در تهران سخت طالب آن بودند.

انگلستان و ایالات متحده اصولا موافقت نمودند درخواست شوروی را برآورده کنند. چرچیل طی پیامی برای استالین که 27 ماه فوریه سال 1944 در مسکو دریافت گردید خاطر نشان ساخته بود که دولت انگلستان واگذاری کونیگسبرگ و اراضی مجاور آن به اتحاد شوروی را «ادعای عادلانه روسیه» می داند... «اراضی این بخش پروس شرقی به خون روسی رنگین شده که بیدریغ در راه امر مشترک ریخته شده است... بنا بر این... ادعای روس ها بر این اراضی جنبه تاریخی دارد و بخوبی مستند است».

بنا به ابتکار روزولت در کنفرانس تهران تبادل نظری در مورد مسئله فنلاند نیز مطرح شد. از جمله غرامت خساراتی که از ناحیه فنلاند در جنگ به اتحاد شوروی وارد شده بود و این که رابطه فنلاند با آلمان برای دورانی باید قطع شود و آلمانی های آنجا نیز خاک فنلاند را ترک کنند.

چرچیل از طرح «راه های تضمین ورود به لنینگراد» را ارائه داد و «مواضع روسیه بعنوان یک قدرت دریائی و هوائی نظامی مسلط در دریای بالتیک» را تأیید کرد. چرچیل با اشاره به اینکه غرامت زیان وارد شده به اتحاد شوروی از طرف فنلاند، هنگام جنگ و بعنوان متحد آلمان جای تردید دارد. فنلاندی ها ممکن است برخلاف اراده خود تابع «کشور دیگری» شده باشند. چرچیل گفت: «ما انتظار داریم که امنیت ضروری مرزهای روسیه تامین شود ولی ما خواهش می کنیم که با فنلاندی ها با گذشت رفتار شود».

رئیس دولت شوروی خبر داد که مدتی پیش "بوهمان" معاون وزارت امور خارجه سوئد به اطلاع نماینده شوروی در سوئد رسانده بود که «فنلاندی ها می خواستند با روس ها صحبت

کنند». ضمنا بوهمان گفته بود که «فنلاندی ها می ترسند که روسیه فنلاند را از استقلال محروم سازد و آنرا به یکی از استان های خود تبدیل کند». استالین خبرداد که دولت شوروی جواب داده است که «چنین قصدی ندارد» و مخالفتی با آغاز گفتگوها با فنلاندی ها ندارد و آنها می توانند برای مذاکره به مسکو بیایند.

ایستادگانه